



فصلنامه علمی پژوهشی
دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت
سال پنجم / شماره ۱۷ / بهار ۱۳۹۵

نوع گزارش حسابرس و تعداد بندهای حسابرسی: اثر رتبه موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار

فخرالدین محمدرضائی

دکتری حسابداری، مدرس دانشگاه علوم اقتصادی (نویسنده مسئول)
Fakhroddin.mr@gmail.com

محمدرضا مهربانپور

استادیار پردیس فارابی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۹۴/۸/۵ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۱۷

چکیده

سازمان بورس و اوراق بهادار موسسات حسابرسی معتمد بورس را به چهار طبقه دسته بندی کرده است. دستورالعمل رتبه بندی موسسات حسابرسی معتمد بورس بیانگر آن است که کیفیت موسسات حسابرسی معتمد طبقه "اول" بالاتر از موسسات حسابرسی معتمد سایر طبقات است. اما سوال مهم این است که آیا چنین ادعائی با واقعیت هم منطبق است؟ به منظور پاسخ به این سوال، اطلاعات ۱۷۰۶ سال-شرکت که از صورتهای مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ جمع آوری شده اند، مورد آزمون قرار گرفته اند. در این پژوهش نوع گزارش حسابرس و تعداد بندهای حسابرسی به عنوان معیارهای کیفیت حسابرسی بکار برده شده اند. نتایج حاصل از برآورد رگرسیون نشان می دهد که موسسات حسابرسی معتمد طبقه "اول" گزارشات مشروط بیشتری نسبت به موسسات حسابرسی معتمد سایر طبقات صادر نمی کنند. اما، یافته های این پژوهش نشان می دهد که تعداد بندهای گزارش حسابرسی برای حسابرسان معتمد طبقه "اول" نسبت به حسابرسان سایر طبقات بیشتر است.

واژه‌های کلیدی: نوع گزارش حسابرس، تعداد بندهای حسابرسی، کیفیت حسابرسی و رتبه بندی موسسات حسابرسی معتمد بورس.

۱- مقدمه

بعد از جدائی مدیریت از مالکیت، تقاضا برای گزارشات مالی باکیفیت به منظور کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیر و مالک بشدت افزایش یافت (بوشمن و اسمیت^۱، ۲۰۰۱). گزارشات مالی باکیفیت اطلاعات مفیدی را برای تصمیم گیری درست و سرمایه گذاری مناسب ارائه می دهد. هر چند عوامل مختلفی بر کیفیت گزارشگری مالی اثرگذار هستند، حسابداری توسط حسابرسان حرفه ای مستقل می تواند منجر به افزایش قابلیت اعتماد گزارشات مالی شود (بالسام^۲ و همکاران، ۲۰۰۳). اما، کیفیت خدمات حسابداری ارائه شده توسط حسابرسان ناهمگون است. علیرغم اینکه تعریف های متفاوتی از کیفیت حسابداری وجود دارد، اما تعریف شناخته شده دی آنجلو^۳ (۱۹۸۱) کیفیت حسابداری را توانایی حسابرس در کشف و گزارش تحریفات با اهمیت موجود در گزارشات مالی صاحبکار تعریف می کند. بنابراین، تعریف مذکور هم بر دانش و تجربه حسابرس در کشف تحریفات موجود در گزارشات مالی صاحبکار و هم بر استقلال حسابرس که منجر به گزارش تحریفات کشف شده می شود تاکید می کند.

کیفیت حسابداری یا حسابداری به طور ذاتی ملموس و قابل مشاهده نیست و ارزیابی کیفیت حسابداری یا حسابداری مشکل، زمانبر و هزینه بر است (دی آنجلو ۱۹۸۱). لذا، دی آنجلو (۱۹۸۱) اندازه موسسه حسابداری را به عنوان نماینده ای^۴ از کیفیت حسابرس معرفی کرده است. براساس این دیدگاه، کیفیت خدمات حسابداری ارائه شده توسط موسسات حسابداری بزرگ از موسسات حسابداری کوچک بالاتر است. تخصص حسابداری در صنعت نیز بعنوان معیار دیگری از کیفیت حسابرس بکار برده می شود. براساس این دیدگاه، حسابرس متخصص در یک صنعت خاص می تواند تحریفات با اهمیت موجود در صورتهای مالی صاحبکار را کشف کند چون دانش و تخصص حسابداری بالاتری در آن صنعت خاص دارد.

موسسات حسابداری بزرگ بین المللی در ایران فعالیت نمی کنند. بعلاوه، پژوهش های انجام شده در ایران طبق نظریه اندازه موسسه حسابداری (موسسات حسابداری خصوصی به عنوان حسابرس کوچک و سازمان حسابداری به عنوان حسابرس بزرگ) نشان دهنده یافته های متناقض می باشد (مانند، حساس یگانه و آدین فر، ۱۳۸۹: نونهال نهر و همکاران، ۱۳۹۰). از طرف دیگر به نظر می رسد حسابرس متخصص صنعت هنوز جایگاه واقعی خود را در کشور پیدا نکرده است.

موضوع رتبه بندی موسسات حسابداری در ایران به دلیل نبود معیاری مناسب جهت متمایز کردن حسابرسان با کیفیت از سایر حسابرسان به خاطر عدم فعالیت موسسات حسابداری

بزرگ بین المللی مطرح گردید. برای اولین بار سازمان بورس و اوراق بهادار در سال ۱۳۹۲ موسسات معتمد بورس را به چهار طبقه "اول"، "دوم"، "سوم" و "چهارم" رتبه بندی کرد. طبق دستورالعمل رتبه بندی موسسات حسابداری معتمد بورس، موسسات حسابداری طبقه "اول" به احتمال زیاد کیفیت بالاتری نسبت به موسسات حسابداری سایر طبقات باید داشته باشند. به عبارت دیگر، رتبه بندی موسسات حسابداری توسط سازمان بورس و اوراق بهادار به عنوان معیاری برای تمایز کیفیت موسسات حسابداری مطرح شده است. اما یک سوال پژوهشی پاسخ داده نشده این است که آیا واقعا کیفیت حسابداری موسسات حسابداری معتمد طبقه "اول" بالاتر از کیفیت خدمات حسابداری ارائه شده توسط موسسات حسابداری سایر طبقات است. بنابراین، هدف پژوهش حاضر عبارت است از بررسی رابطه بین رتبه موسسات حسابداری معتمد و کیفیت حسابداری آنها است.

دوره زمانی پژوهش از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ می باشد و داده ها از گزارشات مالی سالیانه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران جمع آوری شده اند. نمونه تحقیق شامل ۱۷۰۶ سال-شرکت مشاهده می باشد. در این پژوهش نوع گزارش حسابرس و تعداد بندهای حسابداری در گزارشات مشروط بعنوان دو معیار کیفیت حسابداری مورد مطالعه قرار گرفته است. به منظور تأیید قابلیت اعتبار نتایج اصلی پژوهش، مشکل "انتخاب درون زای حسابرس"^۵ از طریق بکارگیری مدل رگرسیون دو مرحله ای کنترل و چندین آزمون حساسیت بکار برده شده است.

این پژوهش دستاوردهایی جدیدی را برای متون حسابداری به همراه دارد. پژوهش حاضر برای اولین بار اثر رتبه موسسات حسابداری بر نوع گزارش حسابرس و تعداد بندهای حسابداری در ایران را مورد آزمون قرار می دهد. نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد مشکل انتخاب درون زای حسابرس وجود دارد در حالیکه پژوهش های انجام شده در ایران این مشکل را کنترل نکرده اند. یافته های این پژوهش می تواند برای قانون گذاران (سازمان بورس و اوراق بهادار)، صاحبکاران و حسابرسان مفید باشد. هم چنین این پژوهش می تواند مقدمه ای برای تحقیقات گسترده تر در این زمینه باشد.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

دستورالعمل رتبه بندی موسسات حسابداری معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار در تاریخ ۲۸ بهمن ماه ۱۳۹۱ توسط آن سازمان تصویب شد. براساس این دستورالعمل، حمایت از حقوق سرمایه گذاران و ساماندهی و توسعه بازار

شفاف و منصفانه اوراق بهادار اهداف رتبه بندی موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار است. معیارهای طبقه بندی موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار عبارت است از معیارهای عادی (معیارهای ارزیابی شرکاء، کارکنان، ساختار سرمایه و سازمان موسسه، تنوع ارائه خدمات و کیفیت خدمات) و معیارهای تخلقاتی (سوابق تخلقاتی موسسه و شریک موسسه) که امتیاز منفی محسوب می شوند. جمع امتیازات موسسه حسابرسی براساس معیارهای مذکور مبنای تعیین طبقه موسسه حسابرسی است. بر حسب امتیاز کسب شده، موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار در چهار طبقه "اول"، "دوم"، "سوم" و "چهارم" قرار می گیرند.

متعاقباً بر اساس معیارهایی مانند میانگین جمع دارائیهها و درآمد فروش، تعداد کارکنان و ارزش بازار کلیه اشخاص حقوقی (صاحبکاران) مشمول دستورالعمل رتبه بندی موسسات حسابرسی معتمد بورس اوراق بهادار به چهار گروه "اول"، "دوم"، "سوم" و "چهارم" طبقه بندی شده اند. صاحبکاران مشمول دستورالعمل مذکور مکلف شده اند تا حسابرس مستقل و بازرسی قانونی خود را از میان موسسات حسابرسی معتمد که در همان طبقه یا طبقات بالاتر قرار دارند انتخاب نمایند. سازمان بورس و اوراق بهادار بطور سالیانه طبقه بندی موسسات حسابرسی معتمد را انجام و اعلام می نماید.

دی آنجلو (۱۹۸۱) بیان می کند که نه تنها کیفیت حسابرسی بطور ذاتی غیر قابل مشاهده است بلکه ارزیابی کیفیت حسابرسی نیاز به هزینه بالایی دارد. لذا استفاده کردن از متغیرهایی که ارتباط قوی با کیفیت حسابرسی دارند و در ضمن ارزیابی آن پر هزینه نیست می تواند راه حل مناسبی برای صاحبکاران باشد. در این راستا، دی آنجلو (۱۹۸۱) اندازه موسسه حسابرسی را بعنوان نماینده ای از کیفیت حسابرس معرفی کرده است. براساس این دیدگاه، کیفیت حسابرسی موسسات حسابرسی بزرگ به احتمال زیادی بالاتر از موسسات حسابرسی کوچک است. حسابرسان موقعیتی بدست می آورند تا بطور فرصت طلبانه کیفیت حسابرسی را از آن سطح که متعهد شده اند پائین تر بیاورند چون ارزیابی کیفیت حسابرس و کشف تقلب حسابرس بسیار هزینه بر است. بعنوان مثال، حسابرسان به منظور حفظ مشتری تعدادی از تحریفات با اهمیت کشف شده در سیستم حسابداری صاحبکار را تعدا افشا نمی کنند. در این ارتباط، دی آنجلو (۱۹۸۱) معتقد است که موسسات حسابرسی بزرگ به منظور حفظ شهرت و اعتبار خود و تعداد زیاد مشتریان به احتمال کمتری برای حفظ مشتری بطور فرصت طلبانه رفتار خواهند کرد. به عبارت دیگر،

کیفیت حسابرسی موسسات حسابرسی بزرگ به این دلیل که استقلال (افشا تحریفات کشف شده با اهمیت حسابرسی) خود را به احتمال کمتری در جهت حفظ مشتری پایمال می کنند بالاتر از موسسات حسابرسی کوچک خواهد بود.

یافته های اکثر پژوهشگران براساس نظریه اندازه حسابرس نشان می دهد که کیفیت حسابرسی موسسات حسابرسی بزرگ در مقایسه با موسسات حسابرسی کوچک بالاتر است (مانند، بهن^۶ و همکاران، ۲۰۰۸). ری نولدز و فرنسیس^۷ (۲۰۰۱) و کرسول^۸ و همکاران (۲۰۰۲) رابطه بین اندازه موسسه حسابرسی و گزارش مشروط حسابرسی بعنوان معیاری از استقلال حسابرس مورد بررسی قرار داده اند. نتایج نشان می دهد که موسسات حسابرسی بزرگ در صدور گزارش مقبول بیشتر محتاط هستند. هم چنین، نتایج تحقیق لای^۹ و همکاران (۲۰۰۸) نشان می دهد که رابطه معناداری بین اندازه حسابرس و گزارش مشروط در چین وجود دارد. یافته های ژو^{۱۰} و همکاران (۲۰۱۳) در استرالیا نشان می دهد که در مقایسه با سایر موسسات حسابرسی، چهار شرکت بزرگ بین المللی حسابرسی سریع تر نسبت به بحران مالی جهانی با صدور گزارش مشروط عدم تداوم فعالیت واکنش نشان می دهند. فرنسیس^{۱۱} و همکاران (۱۹۹۹) اثر شش موسسه بزرگ حسابرسی بر روی مدیریت سود توسط صاحبکاران را مورد بررسی قرار داده اند. نتایج نشان داد که میزان اقلام تعهدی اختیاری صاحبکاران شش موسسه حسابرسی بزرگ کمتر از صاحبکاران سایر موسسات است. فرنسیس و یو^{۱۲} (۲۰۰۹) رابطه بین اندازه دفاتر (شعب) چهار موسسه حسابرسی بزرگ و کیفیت حسابرسی را بررسی کرده اند. نتایج نشان می دهد که دفاتر بزرگ گزارش مشروط عدم فعالیت بیشتری را صادر می کنند و مدیریت سود توسط صاحبکاران دفاتر بزرگ حسابرسی چهار موسسه بزرگ بطور محسوسی پایین است. لارنس^{۱۳} و همکاران (۲۰۱۱) رابطه بین چهار موسسه حسابرسی بزرگ و کیفیت حسابرسی (اقلام تعهدی اختیاری، هزینه سرمایه و صحت پیش بینی تحلیل گران مالی) مورد بررسی قرار داده اند. نتایج این پژوهشگران پس از کنترل ویژگی های صاحبکاران با استفاده از مدل های تطبیقی نشان می دهد که اثر چهار موسسه حسابرسی بزرگ بطور معناداری متفاوت از اثر موسسات غیر بزرگ در ارتباط با سه معیار کیفیت حسابرسی نیست. این پژوهشگران معتقدند که یافته های پژوهش های قبلی در ارتباط با کیفیت بالای صورتهای مالی حسابرسی شده توسط موسسات بزرگ بخاطر ویژگی ها و تمایل صاحبکاران این موسسات به ارائه صورتهای مالی با کیفیت است نه بخاطر کیفیت بالای حسابرسی موسسات حسابرسی بزرگ. بر خلاف

متعاقباً بر اساس معیارهایی مانند میانگین جمع دارائیهها و درآمد فروش، تعداد کارکنان و ارزش بازار کلیه اشخاص حقوقی (صاحبکاران) مشمول دستورالعمل رتبه بندی موسسات حسابرسی معتمد بورس اوراق بهادار به چهار گروه "اول"، "دوم"، "سوم" و "چهارم" طبقه بندی شده اند. صاحبکاران مشمول دستورالعمل مذکور مکلف شده اند تا حسابرس مستقل و بازرسی قانونی خود را از میان موسسات حسابرسی معتمد که در همان طبقه یا طبقات بالاتر قرار دارند انتخاب نمایند. سازمان بورس و اوراق بهادار بطور سالیانه طبقه بندی موسسات حسابرسی معتمد را انجام و اعلام می نماید.

دی آنجلو (۱۹۸۱) بیان می کند که نه تنها کیفیت حسابرسی بطور ذاتی غیر قابل مشاهده است بلکه ارزیابی کیفیت حسابرسی نیاز به هزینه بالایی دارد. لذا استفاده کردن از متغیرهایی که ارتباط قوی با کیفیت حسابرسی دارند و در ضمن ارزیابی آن پر هزینه نیست می تواند راه حل مناسبی برای صاحبکاران باشد. در این راستا، دی آنجلو (۱۹۸۱) اندازه موسسه حسابرسی را بعنوان نماینده ای از کیفیت حسابرس معرفی کرده است. براساس این دیدگاه، کیفیت حسابرسی موسسات حسابرسی بزرگ به احتمال زیادی بالاتر از موسسات حسابرسی کوچک است. حسابرسان موقعیتی بدست می آورند تا بطور فرصت طلبانه کیفیت حسابرسی را از آن سطح که متعهد شده اند پائین تر بیاورند چون ارزیابی کیفیت حسابرس و کشف تقلب حسابرس بسیار هزینه بر است. بعنوان مثال، حسابرسان به منظور حفظ مشتری تعدادی از تحریفات با اهمیت کشف شده در سیستم حسابداری صاحبکار را تعدا افشا نمی کنند. در این ارتباط، دی آنجلو (۱۹۸۱) معتقد است که موسسات حسابرسی بزرگ به منظور حفظ شهرت و اعتبار خود و تعداد زیاد مشتریان به احتمال کمتری برای حفظ مشتری بطور فرصت طلبانه رفتار خواهند کرد. به عبارت دیگر،

یافته های لارنس و همکاران (۲۰۱۱)، شلمن و گو^{۱۴} (۲۰۱۴) در تحقیقی به این موضوع پرداخته اند که آیا چهار موسسه حسابرسی بزرگ بعد از کنترل مشکل انتخاب درون زای حسابرسی خدمات حسابرسی با کیفیت ارائه می کنند؟ نتایج پژوهش بیانگر آن است که تجدید ارائه صورتهای مالی برای صاحبکاران چهار موسسه حسابرسی کمتر از صاحبکاران سایر موسسات است.

تخصص حسابرسی در یک صنعت خاص نیز بعنوان یک معیار ملموس از کیفیت حسابرسی توسط صاحبکاران بکار برده می شود. این دیدگاه معتقد است که حسابرسی متخصص در صنعت دانش و تجربه مناسب تری در یک صنعت خاص بدست می آورد که باعث می شود حسابرسی بتواند بطور اثر بخشتری تحریفات با اهمیت موجود در صورتهای مالی صاحبکار را کشف نماید. دان و میهو^{۱۵} (۲۰۰۴) معتقد است که تخصص حسابرسی در یک صنعت خاص می تواند منجر به افزایش کیفیت حسابرسی و در نهایت شفافیت و کیفیت گزارشگری مالی توسط صاحبکار گردد. نتایج پژوهش هی^{۱۶} و همکاران (۲۰۱۴) نشان می دهد که رابطه مثبتی بین تخصص حسابرسی در صنعت و صدور گزارش مشروط حسابرسی (مشکل تداوم فعالیت) برای صاحبکاران با وضعیت مالی نامناسب وجود دارد.

نتایج اکثر پژوهش های انجام شده در این حوزه، از نظریه تخصص حسابرسی در صنعت حمایت می کنند. رمینوس^{۱۷} و همکاران (۲۰۰۸) رابطه بین تخصص حسابرسی در صنعت و تجدید ارائه صورتهای مالی را مورد پژوهش قرار داده اند. نتایج نشان می دهد که تخصص حسابرسی در صنعت تاثیر منفی بر تجدید ارائه صورتهای مالی توسط صاحبکار دارد. کریشن^{۱۸} (۲۰۰۳) در یک پژوهشی رابطه بین تخصص حسابرسی در صنعت و کیفیت حسابرسی (مدیریت سود) را مورد بررسی قرار داده است. نتایج نشان می دهد که حسابرسان متخصص صنعت بیشتر از حسابرسان غیر متخصص صنعت می توانند مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری را محدود کنند. ریچلت و ونگ^{۱۹} (۲۰۱۰) تاثیر تخصص حسابرسی در صنعت در سطح ملی و منطقه ای بر روی کیفیت حسابرسی را مورد بررسی قرار داده اند. یافته های این پژوهش بیانگر آن است که وقتی حسابرسی هم در سطح ملی و هم در سطح منطقه ای (بطور همزمان) متخصص صنعت می باشد مشتریان سطح پائینی از اقلام تعهدی اختیاری دارند، به احتمال کمتری سود را جهت رسیدن به سود پیش بینی شده توسط پیش بینی کنندگان مالی دستکاری می کنند و به احتمال زیادی گزارش مشروط عدم فعالیت صادر می کنند. کوان^{۲۰} و همکاران (۲۰۰۷) رابطه بین کیفیت سود و تخصص حسابرسی در صنعت را مورد

پژوهش قرار داده اند. نتایج پژوهش نشانگر آن است که میزان اقلام تعهدی اختیاری برای صاحبکاران موسسات حسابرسی متخصص صنعت کمتر از صاحبکاران موسسات دیگر است. گل^{۲۱} و همکاران (۲۰۰۹) اثر تخصص حسابرسی در صنعت بر روی کیفیت سود را مورد بررسی قرار داده اند. نتایج نشان می دهد که رابطه بین تصدی کوتاه مدت حسابرسی و کیفیت سود برای صاحبکاران موسسات حسابرسی متخصص صنعت ضعیف است. به عبارت دیگر، اثر منفی نبود دانش حسابرسی نسبت به صاحبکار بر روی کیفیت حسابرسی در تصدی کوتاه مدت حسابرسی برای حسابرسان متخصص صنعت بسیار ضعیف است. اما یافته های مینوتی^{۲۲} مز^{۲۳} (۲۰۱۳)، بعد از کنترل کردن ویژگی های صاحبکاران موسسات متخصص در صنعت و غیر متخصص از طریق مدل های تطبیقی^{۲۳}، نشانگر آن است که تفاوت معناداری بین کیفیت حسابرسی موسسات متخصص و غیر متخصص در صنعت وجود ندارد.

در ایران موسسات حسابرسی بین المللی بزرگ فعالیت نمی کنند. لذا پژوهشگران ایرانی تلاش کرده اند تا رابطه بین اندازه حسابرسی (سازمان حسابرسی بعنوان حسابرسی بزرگ و موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداری رسمی ایران بعنوان حسابرسان کوچک) و کیفیت گزارشگری مالی را بررسی کنند. بطور کلی می توان بیان کرد که یافته های پژوهشگران ایرانی در ارتباط با اندازه حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی متناقض می باشد. حساس یگانه و آذین فر (۱۳۸۹) رابطه بین اندازه حسابرسی و خطا در گزارش تحریفات با اهمیت موجود در صورتهای مالی صاحبکاران را مورد بررسی قرار داده اند. نتایج نشان می دهد که موسسات حسابرسی خصوصی خطای کمتری در گزارش تحریفات با اهمیت موجود در صورتهای مالی صاحبکاران خود داشته اند. اما یافته های نونهال نهر و همکاران (۱۳۸۹) نشان می دهد که قابلیت اتکای اقلام تعهدی اختیاری برای صاحبکاران موسسات حسابرسی خصوصی بعنوان حسابرسی کوچک از قابلیت اتکای اقلام تعهدی برای صاحبکاران سازمان حسابرسی پائین تر است. بنی مهد (۱۳۹۱) رابطه بین نوع حسابرسی و کیفیت اطلاعات حسابداری را مورد بررسی قرار داده است. نتایج پژوهش نشان می دهد که کیفیت اطلاعات حسابداری برای صاحبکاران سازمان حسابرسی بالاتر از کیفیت اطلاعات حسابداری برای صاحبکاران موسسات خصوصی عضو جامعه حسابداری رسمی است. عبدلی و همکاران (۱۳۹۲) تاثیر ویژگی های حسابرسی بر تجدید ارائه صورتهای مالی را بررسی کرده اند. نتایج نشان می دهد که چرخش حسابرسی و اندازه حسابرسی (تعداد کارکنان و شرکای موسسه حسابرسی) موجب کاهش اقلام تجدید ارائه شده در

صورت‌های مالی می شود. اما یافته های مهربانی و همکاران (۱۳۹۲) نشان می دهد که هیچ یک از ویژگی های حسابرس (اندازه حسابرس و دوران تصدی حسابرس) رابطه معناداری با کیفیت سود ندارد. به عبارت دیگر، نتایج نشان داد که تفاوتی بین کیفیت سود شرکت های حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی و موسسات عضو جامعه حسابداران رسمی وجود ندارد. نمازی و همکاران (۱۳۹۰) رابطه بین اندازه حسابرس و مدیریت سود توسط صاحبکاران را مورد پژوهش قرار داده اند. نتایج نشان می دهد که رابطه معناداری بین اندازه حسابرس و مدیریت سود توسط صاحبکار وجود ندارد.

علیرغم اینکه به نظر می رسد حسابرس متخصص صنعت هنوز جایگاه واقعی خود را در کشور پیدا نکرده است، اخیراً پژوهش هایی در این رابطه در داخل کشور صورت گرفته است و یافته های متناقضی در این حوزه وجود دارد. اعتمادی و همکاران (۱۳۹۰) رابطه بین حسابرس متخصص صنعت با سطح مطلق ارقام تعهدی اختیاری و ضریب واکنش سود را مورد پژوهش قرار داده اند. نتایج نشان می دهد که در مقایسه با صاحبکاران موسسات حسابرسی غیر متخصص در صنعت، سطح مطلق ارقام تعهدی اختیاری و ضریب واکنش سود برای صاحبکاران موسسات حسابرسی متخصص صنعت به ترتیب پائین تر و بالاتر است. آقائی و ناظمی اردکانی (۱۳۹۱) رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار داده اند. نتایج پژوهش نشان می دهد که مدیریت سود صاحبکاران حسابرسان متخصص صنعت کمتر از صاحبکاران سایر موسسات است. بادآور نهندی و تقی زاده خانقاه (۱۳۹۲) رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت مصنوعی و واقعی سود را بررسی کرده اند. نتایج نشان می دهد که تخصص حسابرس در صنعت و شهرت حسابرس (سهم بازار حسابرس) تاثیر منفی بر مدیریت سود مصنوعی (از طریق ارقام تعهدی اختیاری) و تاثیر مثبت بر مدیریت سود واقعی دارند. حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی اثر تخصص حسابرس بر گزارشگری مالی و واکنش بازار سرمایه پرداختند. نتایج پژوهش نشان می دهد بین محتوای اطلاعاتی اجزای تعهدی و نقدی سود در شرکتهای با حسابرسان متخصص صنعت نسبت به سایر شرکت ها تفاوت معنی داری وجود ندارد.

همانطوریکه قبلاً ذکر شد، با توجه به هزینه بالای ارزیابی کیفیت حسابرس و کشف تقلب حسابرسی برای صاحبکاران و عدم فعالیت موسسات حسابرسی بین المللی بزرگ در ایران، موسسات حسابرسی معتمد بورس به چهار طبقه دسته بندی شده اند. دستورالعمل رتبه بندی موسسات حسابرس توسط

سازمان بورس و اوراق بهادار بیانگر آن است که موسسات حسابرسی طبقه "اول" دارای بالاترین کیفیت حسابرسی هستند. به عبارت دیگر، براساس دستورالعمل رتبه بندی موسسات حسابرسی معتمد، موسسات حسابرسی طبقه "اول" باید منابع انسانی (شرکای حسابرسی و کارکنان) کافی و با تجربه، سیستم کنترل کیفیت مناسب، ساختار سازمانی مناسب و استقلال حسابرسی بالاتری نسبت به موسسات حسابرسی سایر طبقات داشته باشند. با توجه به یافته های پژوهش انجام شده در سایر کشورها، حسابرسی که چنین خصوصیتی دارند انتظار می رود که کیفیت حسابرسی بالاتری از سایر موسسات داشته باشند. به عبارت دیگر، انتظار می رود که کیفیت حسابرسی موسسات حسابرسی معتمد طبقه "اول" بالاتر از کیفیت حسابرسی موسسات حسابرسی معتمد سایر طبقات باشد. لازم بذکر است که بررسیها انجام شده توسط پژوهشگران تحقیق حاضر حاکی از آن است که هیچ پژوهشی که اثر رتبه موسسات حسابرسی معتمد بر نوع گزارش حسابرسی و تعداد بندهای حسابرسی را بررسی کرده باشد وجود ندارد.

۳- فرضیه های پژوهش

فرضیه ۱: موسسات حسابرسی خصوصی (معتمد بورس) طبقه "اول" در مقایسه با موسسات حسابرسی (معتمد بورس) سایر طبقات گزارش مشروط بیشتری را صادر می کنند.

فرضیه ۲: تعداد بندهای حسابرسی قبل از گزارش مشروط برای موسسات حسابرسی خصوصی (معتمد بورس) طبقه "اول" در مقایسه با موسسات حسابرسی (معتمد بورس) سایر طبقات بیشتر است.

۴- روش شناسی پژوهش

جامعه آماری این پژوهش، شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. دوره زمانی پژوهش بین سال های ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۹ می باشد. برای انتخاب نمونه در این پژوهش از روش حذف سیستماتیک استفاده شده که معیارهای اعمال شده به شرح زیر است:

- ۱) شرکت ها جزو بانک ها و مؤسسه های مالی (شرکت های سرمایه گذاری، واسطه گری مالی، هلدینگ و لیزینگ ها) نباشند.
- ۲) شرکت ها باید قبل از سال ۱۳۸۰ در بورس پذیرفته شده و تا سال ۱۳۸۹ عضویت آنها تداوم داشته باشد.

۳) اطلاعات مالی مورد نیاز برای محاسبه متغیرهای پژوهش در مورد آن شرکت ها، در طول دوره پژوهش در دسترس باشند.

۴) مشاهداتی که توسط سازمان حسابرسی مورد حسابرسی قرار گرفته اند از نمونه پژوهش حذف شده اند.

با توجه به محدودیت های یاد شده، نمونه پژوهش حاضر شامل ۱۷۲ شرکت (۱۷۰۶ سال-شرکت) می باشد. علیرغم اینکه سازمان حسابرسی جزء ۲۰ موسسه حسابرسی طبقه "اول" می باشد، مشاهداتی که توسط سازمان حسابرسی مورد حسابرسی قرار گرفته اند از نمونه پژوهش حذف شده اند. دلایل مختلفی را می توان برای این موضوع مطرح کرد. سازمان حسابرسی از نظر اندازه قابل مقایسه با هیچ یک از موسسات حسابرسی خصوصی نیست. بنابراین اگر بخواهیم سازمان حسابرسی را بعنوان جزئی از موسسات طبقه "اول" در مدل وارد کنیم باید اثر اندازه حسابرسی (سازمان حسابرسی بعنوان حسابرسی بزرگ و موسسات حسابرسی بعنوان حسابرسی های کوچک) را کنترل کنیم. در این صورت مشکل هم خطی بین متغیرهای مذکور به وجود می آید. هم چنین، موسسات خصوصی معتمد حسابرسی طبقه "اول" به نظر می رسد که در طول زمان سعی کرده اند با متمایز کردن کیفیت خدماتشان برای خود سهمی و شهرتی در بازار حسابرسی بدست آورند. این در حالیست که سهم سازمان حسابرسی بخاطر الزامات قانونی است که شرکت های دولتی باید توسط سازمان حسابرسی مورد حسابرسی قرار گیرند. هم چنین پژوهش های زیادی در ایران در ارتباط با کیفیت حسابرسی موسسات خصوصی و سازمان حسابرسی بصورت مقایسه ای انجام شده است. اما این پژوهش بدنبال آن است که آیا موسسات حسابرسی خصوصی (معتمد بورس) طبقه "اول" کیفیت حسابرسی بالاتری نسبت به موسسات حسابرسی خصوصی سایر گروهها دارند یا خیر.

۵- مدل پژوهش و متغیرهای آن

برای آزمون فرضیه های تحقیق از مدل رگرسیونی زیر استفاده شده است.

$$\text{Audopn}_{it}, \text{Remark}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Top19}_{it} + \beta_2 \text{Audchg}_{it} + \beta_3 \text{Size}_{it} + \beta_4 \text{Lev}_{it} + \beta_5 \text{InvRec}_{it} + \beta_6 \text{Liq}_{it} + \beta_7 \text{ROA}_{it} + \beta_8 \text{Loss}_{it} + \beta_9 \text{Subs}_{it} + \beta_{10} \text{LogAge}_{it} + \beta_{11} \text{Conown}_{it} + \beta_{12} \text{Pvtown}_{it} + \sum \beta_j \text{IndustryDum} + \sum \beta_k \text{YearDum} + \varepsilon_{it}$$

متغیرهای بکار رفته در مدل (۱) به شرح زیر تعریف می شوند:
Audopn: متغیر ساختگی مساوی یک اگر گزارش حسابرسی مشروط باشد و صفر اگر گزارش حسابرسی مقبول باشد.
Remark: تعداد بندهای گزارش حسابرسی (به غیر از بند مقدمه و دامنه) قبل از بند اظهار نظر در گزارش های مشروط حسابرسی.

Top19: متغیر ساختگی مساوی یک اگر حسابرسی جزو ۱۹ موسسه حسابرسی خصوصی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار متعلق به طبقه "اول" باشد، برای موسسات حسابرسی خصوصی معتمد سایر طبقات صفر.

Audchg: متغیر ساختگی مساوی یک اگر حسابرسی تغییر یافته باشد، در غیر اینصورت صفر.
Size: اندازه صاحبکار، لگاریتم طبیعی جمع کل داراییهای صاحبکار.

Lev: اهرم مالی، جمع کل بدهیها تقسیم بر جمع کل داراییها.
InvRec: نسبت جمع موجودیها و حسابهای دریافتی به جمع کل داراییها.

Liq: نسبت جمع کل داراییهای جاری به جمع کل بدهیهای جاری.

ROA: نسبت بازده داراییها، سود تقسیم بر جمع کل داراییها.
Loss: زیانده بودن صاحبکار، متغیر ساختگی مساوی یک اگر صاحبکار زیان گزارش کرده باشد، در غیر اینصورت صفر.

Subs: متغیر ساختگی مساوی یک اگر صاحبکار شرکت (های) فرعی دارد، در غیر اینصورت صفر.
LogAge: لگاریتم طبیعی سن صاحبکار.

Conown: تمرکز مالکیت، درصدی از سهام عادی صاحبکار که متعلق است به بزرگترین سهامدار.

Pvtown: مالکیت خصوصی، متغیر ساختگی مساوی یک اگر بیشتر یا مساوی ۵۰ درصد سهام عادی صاحبکار متعلق به بخش خصوصی است در غیر اینصورت صفر.

IndustryDum: ۱۶ متغیر ساختگی برای کنترل اثر صنعت.
YearDum: ۱۰ متغیر ساختگی برای کنترل اثر تغییرات در طول زمان.

مدل (۱) براساس تحقیقات قبلی (مانند چان و همکاران^{۲۴}، ۲۰۰۶: گل و همکاران^{۲۵}، ۲۰۰۹) و با در نظر گرفتن ویژگیهای شرایط محیطی ایران تدوین شده است. *Top19* در واقع همان ۲۰ موسسه حسابرسی (معتمد بورس) عضو طبقه "اول" منهای سازمان حسابرسی است. لازم بذکر است *Top19* براساس رتبه بندی موسسات حسابرسی معتمد بورس اوراق

از گزارش مشروط برای صاحبکاران ۱۹ موسسه حسابرسی طبقه "اول" بیشتر است. این یافته مطابق فرضیه دوم می باشد. هم چنین، اندازه صاحبکار و سن صاحبکار برای صاحبکاران ۱۹ موسسه حسابرسی طبقه "اول" بزرگتر است. نسبت جمع موجودیها و حسابهای دریافتی به جمع کل دارائیهها (*InvRec*) و نسبت نقدینگی برای صاحبکاران ۱۹ موسسه حسابرسی طبقه "اول" کمتر است. هم چنین نتایج آزمون ناپارامتری نشان می دهد که صاحبکاران ۱۹ موسسه حسابرسی طبقه "اول" در مقایسه با صاحبکاران سایر موسسات حسابرسی خصوصی معتمد، بیشتر متعلق به بخش غیر خصوصی، بیشتر زیانده و شرکت های فرعی بیشتری دارند.

لازم بذکر است که برای کاهش دادن اثر مشاهدات پرت بر روی نتایج تحقیق، یک درصد کوچکترین و بزرگترین داده های مربوط به متغیرهای پیوسته با اعداد نزدیکترین مشاهدات به آن داده ها جایگزین شده است. نتایج آزمون همبستگی پیرسون که در پژوهش حاضر گزارش نشده است نشان می دهد که همبستگی بالائی بین متغیرهای مستقل وجود ندارد. یعنی مشکل هم خطی بین متغیرهای مستقل وجود ندارد.

۶-۲- نتایج آزمون فرضیه ها

جدول (۲) نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش را نشان می دهد. ستون اول و دوم جدول (۲) نتایج تجزیه و تحلیل مدل (۱) براساس رگرسیون لاجستیک را نشان می دهد. ستون سوم و چهارم جدول (۲) نتایج رگرسیون مرحله دوم مدل (۱) را نشان می دهد. هنگامیکه ضریب نسبت معکوس (*IMR*) معنادار است، تفسیر یافته ها باید براساس نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون مرحله دوم صورت گیرد. نتایج نشان می دهد که حسابرسان خصوصی معتمد طبقه "اول" رابطه غیر معنی دار با گزارش حسابرسی مشروط دارند. بنابراین، فرضیه اول پژوهش تأیید نمی شود. به عبارت دیگر، حسابرسان معتمد طبقه "اول" گزارش مشروط بیشتری نسبت به حسابرسان معتمد سایر طبقات صادر نمی کنند. یافته های این پژوهش برخلاف نتایج تحقیقات کرسول و همکاران (۲۰۰۲)، لای و همکاران (۲۰۰۸) و ژو و همکاران (۲۰۱۳) است که اثر اندازه حسابرس بر صدور گزارش مشروط بررسی کرده اند. این یافته ممکن است بیانگر این موضوع باشد که اندازه حسابرس در بازار حسابرسی ایران نمی تواند معیار مناسبی برای تفکیک حسابرس باکیفیت از سایر حسابرسان باشد.

بهادار که توسط سازمان مذکور در سال ۱۳۹۲ اعلام شده است تعیین گردیده است.

انتخاب درون زای حسابرس

زمانیکه مشکل درون زا بودن متغیر اصلی پژوهش وجود دارد، روش حداقل مربعات معمولی^{۲۶} و رگرسیون لاجستیک منجر به برآوردهای متناقض می شود. تحقیقات نشان می دهد که صاحبکاران بصورت تصادفی حسابرس خود را انتخاب نمی کنند بلکه براساس نیازشان انتخاب می کنند (تیتن و ترومن^{۲۷}، ۱۹۸۶). چنین موضوعی منجر به نقض اصل انتخاب تصادفی نمونه پژوهش می شود. این موضوع زمانی مطرح شد که بعضی از پژوهشگران ادعا کردند که کیفیت بالای صورتهای مالی حسابرسی شده توسط چهار شرکت بزرگ حسابرسی ناشی از کیفیت بالای حسابرسی آنها نیست بلکه ناشی از آن است که صاحبکارانی که سیستم کنترلی مناسب دارند و می خواهند صورتهای مالی با کیفیت در اختیار استفاده کنندگان قرار دهند چهار موسسه حسابرسی بزرگ حسابرسی را انتخاب می کنند. بنابراین، این پژوهش همانند پژوهش های قبلی (چنی و همکاران^{۲۸}، ۲۰۰۴؛ ليو و سابرامانیا^{۲۹}، ۲۰۱۳) یک فرآیند دومرحله ای را برای رفع مشکل انتخاب غیر تصادفی^{۳۰} حسابرس اجرا می کند. به عبارت دیگر، اول مدل (۲) اجرا می شود و براساس برآوردهای مدل مذکور "نسبت معکوس"^{۳۱} محاسبه می شود. در نهایت در مرحله دوم، مدل (۱) با اضافه شدن "نسبت معکوس" بعنوان یک متغیر توضیحی اضافی اجرا می شود. مدل (۲) به شرح زیر می باشد:

$$\text{Top19}_{it} = \lambda + \gamma_1 \text{Pvtown}_{it} + \gamma_2 \text{Size}_{it} + \gamma_3 \text{Lev}_{it} + \gamma_4 \text{InvRec}_{it} + \gamma_5 \text{Liq}_{it} + \gamma_6 \text{Loss}_{it} + \gamma_7 \text{Curr}_{it} + \gamma_8 \text{Salegrowth}_{it} + \gamma_9 \text{Aturn}_{it} + \sum \beta_j \text{IndustryDum} + \beta_k \text{YearDum} + \delta_{it}$$

متغیرهای بکار رفته در مدل (۲) به شرح زیر تعریف می شوند:
Curr: نسبت دارائیهای جاری به جمع کل دارائیهها.
Salegrowth: درصد تغییرات در فروش، تفاوت فروش سال جاری نسبت به سال قبل تقسیم بر فروش سال قبل.
Aturn: نسبت فروش به جمع کل دارائیهها.
 سایرمتغیرها در بخش های قبلی تعریف شده اند.

۶- یافته های پژوهش

۶-۱- آماره های توصیفی

جدول (۱) آماره های توصیفی مرتبط با مدل (۱) را نشان می دهد. آزمون t نشان می دهد تعداد بندهای حسابرسی قبل

جدول (۱) آمارهای توصیفی

پنل الف: متغیرهای پیوسته						
نام متغیرها	میانگین	میان	انحراف معیار	حداکثر	حداقل	
تعداد بندهای حسابرسی	۲,۵۹	۲,۰۰	۲,۵۷	۱۷,۰۰	۰,۰۰	
اندازه شرکت	۱۲,۵۳	۱۲,۴۶	۱,۲۲	۱۶,۷۶	۹,۸۲	
اهرم مالی	۰,۷۱	۰,۶۹	۰,۲۵	۱,۷۵	۰,۲۴	
نسبت جمع موجودیها و ح دریافتنی	۰,۵۱	۰,۵۲	۰,۲۰	۰,۹۳	۰,۰۷	
نسبت نقدینگی	۱,۱۴	۱,۰۶	۰,۵۵	۳,۸۷	۰,۱۸	
نسبت بازده دارائیهها	۰,۱۰	۰,۰۹	۰,۱۴	۰,۵۲	-۰,۲۸	
لگاریتم سن صاحبکار	۲,۳۴	۲,۴۰	۰,۶۹	۳,۷۶	۰,۰۰	
درصد مالکیت سهامدار عمده	۰,۵۰	۰,۵۱	۰,۲۵	۱,۰۰	۰,۰۰	
پنل ب: آزمون t و ناپارامتری						
آزمون t			آزمون ناپارامتری			
نام متغیرها	موسسات طبقه "اول" (N=845)	سایر موسسات معتمد (N=861)	آماره t	نام متغیرها	موسسات طبقه "اول" (N=845)	سایر موسسات معتمد (N=861)
تعداد بندهای حسابرسی	۳,۰۴	۲,۱۴	7.28**	گزارش مشروط	۶۳۹	۶۵۴
اندازه صاحبکار	۱۲,۶۴	۱۲,۴۲	3.83**	(/)	74.22	77.40
اهرم مالی	0.72	0.70	1.04	تغییر حسابرس	۱۷۲	۱۳۹
نسبت جمع موجودیها و ح دریافتنی	0.49	0.52	-2.62**	(/)	19.98	16.45
نسبت نقدینگی	1.10	1.17	-3.01**	زیاندهی شرکت	۹۲	۱۳۵
نسبت بازده دارائیهها	0.10	0.11	-1.42	(/)	10.69	15.98
لگاریتم سن صاحبکار	2.49	2.18	9.47**	شرکت مادر	۱۶۱	۱۹۵
درصد مالکیت سهامدار عمده	0.50	0.50	0.10	(/)	18.70	23.08
				مالکیت خصوصی	326	273
				(/)	37.86	32.31

* معناداری در سطح اطمینان ۹۵٪ و ** معناداری در سطح اطمینان ۹۹٪.

جدول (۲). یافته های آزمون فرضیه اول پژوهش - نوع گزارش حسابرسی بعنوان متغیر وابسته

متغیر	مدل (۱)		رگرسیون مرحله دوم - مدل (۱)	
	ضرایب	آماره t	ضرایب	آماره t
مقدار ثابت	-3.75**	-3.06	-2.26	-1.80
حسابرسان طبقه "اول"	0.19	1.26	0.13	0.91
تغییر حسابرس	-0.19	-1.07	-0.19	-1.16
اندازه صاحبکار	0.23**	3.22	0.17**	2.61
اهرم مالی	1.66**	3.21	2.03**	3.89
نسبت جمع موجودیها و دریافتنی	1.53**	2.83	0.14	0.33
نسبت نقدینگی	0.09	0.49	0.25	1.47
بازده دارائیهها	-4.36**	-5.62	-4.13**	-6.05
زیاندهی صاحبکار	1.23**	2.74	1.00*	2.43
شرکت مادر	0.78**	3.94	0.56**	2.99
سن صاحبکار	-0.09	-0.70	0.01	0.07
سهامدار عمده	-0.34	-1.04	-0.48	1.58

رگرسیون مرحله دوم - مدل (1)		مدل (1)		متغیر
آماره t	ضرایب	آماره t	ضرایب	
5.66	0.99**	5.54	1.08**	سهامدار خصوصی
-3.28	-1.07**			نسبت معکوس (IMR)
	بلی		بلی	متغیرهای ساختگی صنعت
	بلی		بلی	متغیرهای ساختگی سال
	0.21		0.26	Pseudo R ²
	268.52**		300.42**	Wald chi2
	1,706		1,706	N

* معناداری در سطح اطمینان ۹۵٪ و ** معناداری در سطح اطمینان ۹۹٪.

جدول (3) نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش را نشان می دهد. نتایج نشان می دهد که رابطه مثبتی بین حسابرسان معتمد طبقه "اول" و تعداد بندهای گزارش حسابرسی مشروط وجود دارد. بنابراین، فرضیه دوم پژوهش رد نمی شود. به عبارت دیگر، تعداد بندهای گزارش حسابرسی برای حسابرسان معتمد طبقه "اول" نسبت به حسابرسان معتمد سایر طبقات بیشتر می باشد. هم چنین تعداد نمونه پژوهش برای آزمون فرضیه دوم به 1,293 شرکت-سال کاهش یافت. با توجه به اینکه فرضیه دوم تعداد بندهای حسابرسی قبل از گزارش حسابرس (بدون لحاظ کردن بند مقدمه و دامنه رسیدگیها) را مد نظر دارد، مشاهداتی که دارای گزارش مقبول بودند از نمونه اصلی پژوهش حذف شده اند.

نتایج هم چنین نشان می دهد که حسابرسان برای صاحبکاران بزرگ، زیانده، دارای شرکت (های) فرعی، دارای نسبت اهرم مالی بیشتر و دارای سهامدار خصوصی گزارش مشروط بیشتری را صادر می کنند. بطور مثال این نتایج نشان می دهد که صاحبکاران بزرگ به دلیل پیچیدگی و تعدد معاملات گزارش مشروط بیشتری نسبت به صاحبکاران کوچک دریافت می کنند. هم چنین نتایج نشان می دهد که صاحبکارانی که دارای نسبت بازده دارائیهای بیشتری هستند گزارش مشروط کمتری دریافت می کنند. لازم بذکر است بخاطر اینکه ضریب عامل تورم واریانس برای تعدادی از متغیرهای ساختگی نوع صنعت در تجزیه و تحلیل رگرسیون مرحله دوم بالا بود از مدل حذف شده اند. همین عامل باعث شده است تا Pseudo R² رگرسیون مرحله دوم کمتر از رگرسیون لاجستیک در جدول (۲) باشد.

جدول (۳). یافته های آزمون فرضیه دوم پژوهش - تعداد بندهای حسابرسی بعنوان متغیر وابسته

رگرسیون مرحله دوم - مدل (1)		مدل (1)		متغیر
آماره t	ضرایب	آماره t	ضرایب	
2.60	2.93**	0.11	0.12	مقدار ثابت
5.25	0.63**	5.23	0.63**	حسابرسان طبقه "اول"
0.56	0.09	0.77	0.13	تغییر حسابرس
2.06	0.15*	4.38	1.30**	اندازه صاحبکار
4.35	1.79**	3.36	1.33**	اهرم مالی
-1.69	-0.68	-0.17	-0.07	نسبت جمع موجودیها و دریافتنی
-0.48	-0.07	-1.27	-0.19	نسبت نقدینگی
-3.83	-2.64**	-4.25	-2.96**	بازده دارائیهها
0.15	0.04	1.86	0.45	زیاندهی صاحبکار
1.72	0.30	1.55	0.27	شرکت مادر
2.61	0.30**	2.62	0.30**	سن صاحبکار
0.37	0.09	0.50	0.13	سهامدار عمده
6.25	0.98**	5.26	0.80**	سهامدار خصوصی
-5.20	-2.14**			نسبت معکوس (IMR)

رگرسیون مرحله دوم - مدل (۱)		مدل (۱)		متغیر
آماره t	ضرایب	آماره t	ضرایب	
	بلی		بلی	متغیرهای ساختگی صنعت
	بلی		بلی	متغیرهای ساختگی سال
	0.27		۰,۲۹	R ²
	12.81**		11.15**	F-stat
	1,293		1,293	N

* معناداری در سطح اطمینان ۹۵٪ و ** معناداری در سطح اطمینان ۹۹٪.

حسابرس جزو ۱۹ موسسه حسابرسی خصوصی معتمد متعلق به طبقه "اول" باشد، در غیر اینصورت صفر. اما چنین تعریفی ممکن است مورد نقد پژوهشگران دیگر قرار گیرد چون موسسات معتمد به چهار گروه براساس معیارهای ارزیابی توسط سازمان بورس و اوراق بهادار طبقه بندی شده اند. بنابراین، یکی از دلایل احتمالی که این پژوهش نتوانسته نتایج معناداری برای فرضیه اول می تواند به نوع تعریف موسسات خصوصی معتمد طبقه "اول" (*Top19*) مرتبط باشد. به عبارت دیگر، احتمالاً کیفیت حسابرسی موسسات معتمد طبقه "اول" تفاوت چندانی با کیفیت حسابرسی موسسات حسابرسی طبقه "دوم" ندارد. اما کیفیت حسابرسی موسسات حسابرسی معتمد طبقه "اول" ممکن است تفاوت معناداری با کیفیت حسابرسی موسسات حسابرسی طبقات "سوم" و "چهارم" داشته باشد. برای همین منظور، ما مدل (۱) را بصورت مقایسه ای بین موسسات خصوصی معتمد طبقه "اول" (۸۴۵ سال-شرکت) و طبقه "دوم" (۵۴۱ سال شرکت) اجرا کردیم. نتایج گزارش نشده نشان داد که همانند نتایج اصلی موسسات خصوصی معتمد طبقه "اول" اثری بر نوع گزارش حسابرسی وجود ندارند. ولی رابطه مثبتی بین تعریف جدید موسسات خصوصی معتمد طبقه اول و تعداد بندهای حسابرسی وجود دارد. در تعریف دیگری از موسسات خصوصی معتمد طبقه "اول"، ما مدل (۱) را بصورت مقایسه ای بین موسسات خصوصی معتمد طبقه "اول" (۸۴۵ سال-شرکت) و موسسات حسابرسی معتمد طبقات "سوم" و "چهارم" (۳۲۰ سال-شرکت) اجرا کردیم. نتایج گزارش نشده نشان داد که رابطه معناداری بین نوع گزارش حسابرسی و تعریف جدید موسسات حسابرسی خصوصی معتمد طبقه "اول" وجود ندارد. اما حسابرسان خصوصی معتمد طبقه اول تعداد بندهای حسابرسی بیشتری نسبت به حسابرسان معتمد طبقه سوم و چهارم دارند. چنین یافته هایی با نتایج اصلی تحقیق ارائه شده در جداول (۲) و (۳) منطبق هستند.

لازم بذکر است که ضرایب عامل تورم واریانس برای متغیرهای این پژوهش کمتر از ۱۰ می باشد. هم چنین، خطاهای استاندارد اصلاح شده نا همسانی واریانس و خود همبستگی نوی و وست³² (1987) در جداول (۲) و (۳) گزارش شده اند.

۷- آزمونهای حساسیت

۷-۱- برآورد مدل (۱) براساس داده های پنل

علیرغم اینکه پژوهش حاضر سعی کرده است که اثر متغیرهای موثر بر نوع گزارش حسابرسی و بندهای حسابرسی را براساس پژوهش های قبلی و شرایط محیطی پژوهش کنترل کند، یافته های اصلی ممکن است به دلیل عدم کنترل اثر سایرمتغیرهای موثر گمراه کننده باشد. برای مرتفع کردن این مشکل احتمالی، ما مدل یک را براساس داده های پنل (با کنترل کردن اثر شرکت ها³³) دوباره اجرا کردیم. چنین روشی می تواند اثر عوامل حذف شده مخصوص صاحبکار که در طول زمان تغییر پذیر هستند را کنترل کند ولی قدرت برآورد کنندگی مدل را کاهش می دهد (بال وهمکاران³⁴، ۲۰۱۲). نتایج برآورد مدل (۱) براساس داده های پنل منطبق با یافته های اصلی این پژوهش ارائه شده در جداول (۲) و (۳) می باشند. لازم بذکر است که نتایج برآورد مدل (۱) براساس داده های پنل ارائه نشده اند. نتایج نشان می دهد که ضرایب *Top19* عبارت است از $-0/19$ ($\alpha=-0/65$, $p=0/52$) و $0/38$ ($t=1/73$, $p=0/08$) زمانیکه متغیر وابسته به ترتیب عبارت است از نوع گزارش حسابرسی و تعداد بندهای حسابرسی. نتایج نشان می دهد که حسابرسان معتمد طبقه "اول" رابطه مثبتی با تعداد بندهای حسابرسی در سطح اطمینان ۹۰ درصد دارد.

۷-۲- برآورد مدل (۱) براساس تعریف جایگزین از موسسات خصوصی معتمد طبقه "اول"

موسسات حسابرسی خصوصی معتمد طبقه "اول" (*Top19*) بعنوان یک متغیر ساختگی مساوی است با یک اگر

۸- نتیجه گیری و بحث

با توجه به اینکه کیفیت حسابرسی به طور ذاتی غیر قابل مشاهده و ارزیابی آن بسیار هزینه بر است، اندازه حسابرس و حسابرس متخصص صنعت به عنوان دو نماینده از کیفیت حسابرس توسط پژوهشگران معرفی شده است. اما، موسسات حسابرسی بین المللی بزرگ در ایران فعالیت نمی کنند و حسابرس متخصص صنعت هم به نظر می رسد در کشور هنوز جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده است. در چنین شرایطی، موسسات حسابرسی معتمد بورس در چهار طبقه "اول"، "دوم"، "سوم" و "چهارم" رتبه بندی شدند. رتبه بندی موسسات حسابرسی مدعی است که موسسات حسابرسی معتمد طبقه "اول" کیفیت بالاتری نسبت به حسابربان معتمد سایر طبقات دارند. بنابراین، حسابرسی صاحبکاران بزرگ به حسابربان طبقه "اول" محول شده است. اما سوال علمی پاسخ داده نشده این است که: آیا موسسات حسابرسی معتمد طبقه "اول" واقعا کیفیت بالاتری نسبت به موسسات حسابرسی معتمد سایرطبقات دارند؟ بنابراین پژوهش حاضر تلاشی است برای پاسخ به سوال مذکور. موسسات خصوصی معتمد طبقه "اول" گزارشات مشروط بیشتری نسبت به موسسات معتمد سایر طبقات صادر نمی کنند. اما، یافته ها بیانگر آن است که تعداد بندهای گزارش حسابرسی برای حسابربان معتمد طبقه "اول" نسبت به حسابربان سایر طبقات بیشتر است. یافته های اصلی این پژوهش با اعمال چندین آزمون حساسیت پیشتیبانی شده اند.

این پژوهش پیشنهادهاتی برای سازمان بورس و اوراق بهادار بعنوان متولی رتبه بندی موسسات حسابرسی معتمد ارائه می کند. اول اینکه، سازمان بورس و اوراق بهادار برای رتبه بندی موسسات حسابرسی معتمد به طور مستقیم کیفیت کار موسسات حسابرسی معتمد را از طریق معیارهایی مانند مدیریت سود، نوع گزارش حسابرس، تجدید ارائه صورتهای مالی، زمان تاخیر حسابرسی و غیره بررسی کند. باتوجه به نتایج پژوهش حاضر، به نظر می رسد که شک قابل توجهی در ارتباط با رتبه بندی موسسات حسابرسی توسط سازمان بورس بعنوان معیار مناسبی از کیفیت حسابربان وجود دارد.

این پژوهش پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی ارائه می کند. در این پژوهش فقط اثر رتبه حسابرس معتمد بورس بر نوع گزارش حسابرسی و تعداد بندهای حسابرسی بررسی شده است. پژوهشگران می توانند رابطه بین رتبه حسابرس و کیفیت سود، تاخیر حسابرسی، ارزش بازار صاحبکار، تجدید ارائه صورتهای مالی و غیره را بررسی کنند. این تحقیق پیشنهاد می کند که لازم است تا پژوهش های آتی مشکل انتخاب

درون زای حسابرس را کنترل کنند تا نتایج قابل اتکائی بدست آورند. هم چنین پیشنهاد می شود که پژوهش فعلی دوباره براساس داده های بعد از رتبه بندی اجرا شود.

هر چند رتبه بندی موسسات حسابرسی در سال ۱۳۹۲ ارائه شده است، داده های این پژوهش از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ می باشد. ممکن است این موضوع بعنوان محدودیت این پژوهش در نظر گرفته شود. اما پژوهشگران این تحقیق معتقد هستند که با توجه به معیارهای ارزیابی سازمان بورس برای رتبه بندی، سابقه و شهرت موسسات حسابرسی نقش عمده ای در ارزیابی بازی می کند. به عبارت دیگر، موسسات حسابرسی در طول زمان شهرت کسب کرده و فعالیت خود را افزایش می دهند. به عنوان یک مثال عینی، حدود نیمی از مشاهدات (شرکت-سال) این تحقیق که مربوط به دوره قبل از رتبه بندی است توسط موسسات حسابرسی خصوصی معتمد طبقه "اول" حسابرسی شده اند. چنین آماره توصیفی ادعای پژوهشگران این تحقیق را پشتیبانی می کند.

فهرست منابع

- * آقائی، محمدعلی و مهدی ناظمی اردکانی، (۱۳۹۱)، تخصص حسابرس در صنعت و مدیریت اقلام تعهدی اختیاری، دانش حسابرسی، شماره ۱۲ (۴۶)، صص ۴-۱۷.
- * اعتمادی حسین، امیر محمدی و ناظمی اردکانی مهدی (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین تخصص صنعت حسابرس و کیفیت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله ی پژوهش های حسابداری مالی، ۱ (۲و۱): ۱۷-۳۲.
- * بادآور نهندی، یونس و وحید تقی زاده خانقاه (۱۳۹۲)، ارتباط بین کیفیت حسابرسی و مدیریت مصنوعی و واقعی سود، پژوهش های کاربردی در گزارشگری مالی، سال دوم، شماره 3، ۴۷-۷۹.
- * بنی مهد، بهمن (۱۳۹۱)، کیفیت اطلاعات حسابداری، نوع حسابرس و مدیریت سود، فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال ۵، شماره ۱۷، صص ۱۲۵-۱۳۹.
- * حساس یگانه، یحیی و کاوه آذین فر (۱۳۸۹)، رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه مؤسسه حسابرسی، بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۱۷ (۶۱): ۸۵-۹۵.
- * حساس یگانه، یحیی، اعظم والی زاده لاریجانی و امیر محمدی (۱۳۹۱)، بررسی تاثیر تخصص صنعت حسابرس بر گزارشگری مالی و واکنش بازار سرمایه، فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۱۹، صص ۴۳-۶۴.

- * Francis, J.R. and Yu, M.D. (2009). Big 4 office size and audit quality. *The Accounting Review*, 84 (5): 1521-1552.
- * Francis, J.R., Maydew, E.L. and Sparks, H.C. (1999). The role of Big 6 auditors in the credible reporting of accruals. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 18 (2): 17-34.
- * Gul, F.A., Sami, H. and Zhou, H. (2009). Auditor disaffiliation program in china and auditor independence. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 28(1): 29-51.
- * Gul, F. A., Fung, S.Y. and Jaggi, B., (2009), Earnings quality: Some evidence on the role of auditor tenure and auditors' industry expertise, *Journal of Accounting and Economics*, 47(3), 265-287.
- * He, L-J, Chiang, H-T. and Wang, Y-F. (2014). Auditor industry specialization, audit experience, tenure, and audit opinion, *World Business and Social Science Research Conference*, Paris, France.
- * Krishnan, G. (2003). Does Big 6 auditor industry expertise constrain earnings management? *Accounting Horizons*, 17: 1-16.
- * Kwon, S.Y., Lim, C.Y. and Mui, P and Tan, S., (2007). Legal systems and earnings quality: The role of auditor industry specialization. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 26 (2): 25-55.
- * Lawrence, A., Minutti-Meza, M. and Zhang, P., (2011). Can Big 4 versus Non-Big 4 differences in audit-quality proxies be attributed to client characteristics? *The Accounting Review*, 86 (1): 259-286.
- * Li, C., Song, F. M. and Wong, S. M. L. (2008). A continuous relation between audit firm size and audit opinions: Evidence from China. *International Journal of Auditing*, 12(2): 111-127.
- * Liu, L. and Subramaniam, N. (2013). Government ownership, audit firm size and audit pricing: Evidence from China, *Journal of Accounting and Public Policy*, 32 (2): 161-175.
- * Minutti-Meza, M. (2013). Does auditor industry specialization improve audit quality? *Journal of Accounting Research*, 51, 779-817.
- * Newey, W.K. and West, K.D. (1987). A simple, positive-definite, heteroskedasticity and autocorrelation consistent covariance matrix. *Econometrica*, 55: 703-708.
- * Reichelt, K.J. and Wang, D. (2010). National and office-specific measures of auditor industry expertise and effects on audit quality. *Journal of Accounting Research*, 48: 647-686.
- * Reynolds, J. K. and Francis, J. R. (2001). Does size matter? The influence of large clients on office-level auditor reporting decisions. *Journal of Accounting and Economics*, 30: 375-400.
- * Romanus, R.N., Maher, J.J. and Fleming, D.M., (2008). Auditor industry specialization, auditor changes, and accounting restatements, *Accounting Horizons*, 22 (4): 389-413.
- * Trueman, B. & Titman, S. (1998). An explanation for accounting income smoothing. *Journal of Accounting Research*, 26 (1): 127-139.
- * عبدلی، محمدرضا، علی فعال قیومی و ناصر پرتوی، (۱۳۹۲)، تأثیر ویژگیهای حسابرس بر تجدید ارائه صورتهای مالی، بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۲۰ (۳)، صص ۸۵-۱۰۰.
- * مهران، ساسان، محمد مرادی، منصور نخعی و محسن مطمئن (۱۳۹۲)، نقش ویژگی های حسابرس در کیفیت سود، پژوهش های حسابداری مالی، سال پنجم، شماره ۲، صص ۱۰۸-۹۳.
- * نمازی، محمد، انور بایزیدی و سعید جبارزاده کنگرلویی (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری، ۳ (۹): ۱-۱۸.
- * نونهال نهر، علی اکبر، جبارزاده کنگرلویی، سعید و یعقوب پورکریم (۱۳۸۹)، رابطه بین کیفیت حسابرس و قابلیت اتکای اقلام تعهدی، بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۱۷ (۶۷): ۵۵-۷۰.
- * Ball, R., Jayaraman, S. and Shivakumar, L. (2012). Audited financial reporting and voluntary disclosure as complements: A test of the confirmation hypothesis. *Journal of Accounting and Economics*, 53 (1-2): 136-166.
- * Balsam, S., Krishnan, J. and Yang, J. (2003). Auditor industry specialization and earnings quality. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 22 (2): 71-97.
- * Behn, B., Choi, J.H. and Kang, T. (2008). Audit quality and properties of analyst earnings forecasts. *The Accounting Review*, 83(2): 327-359.
- * Bushman, R.M. and Smith, A.J. (2001). Financial accounting information and corporate governance. *Journal of Accounting and Economics*, 32: 237-333.
- * Chan, K.H., Lin, K. Z. and Mo, P. L-l. (2006). A political-economic analysis of auditor reporting and auditor switches. *Review of Accounting Studies*, 11(1): 21-48.
- * Chaney, P.K., Jeter, D.C. and Shivakumar, L. (2004). Self-selection of auditors and audit pricing in private firms. *The Accounting Review*, 79 (1): 51-72.
- * Craswell, A. T., Stokes, D. J. and Laughton, J. (2002). Auditor independence and fee dependence. *Journal of Accounting and Economics*, 33: 253-275.
- * DeAngelo, L. (1981). Auditor size and audit quality. *Journal of Accounting and Economics*, 3: 297-322.
- * Dunn, K. A. and Mayhew, B.W. (2004). Audit firm industry specialization and client disclosure quality. *Review of Accounting Studies*, 9 (1): 35-58.
- * Eshleman, J.D. and Guo, P. (2014). Do Big 4 auditors provide higher audit quality after controlling for the endogenous choice of auditor? *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 33 (4), 197-219.
- * Francis, J. and Krishnan, J. (1999). Accounting accruals and auditor reporting conservatism. *Contemporary Accounting Research*, 16: 135-165.

- * Xu, Y., Carson, E., Fargher, N. and Jiang, L. (2013). Responses by australian auditors to the global financial crisis. *Accounting and Finance*, 53 (1): 301-3

یادداشت‌ها

1. Bushman & Smith
2. Balsam et al.
3. DeAngelo
4. Surrogate
5. Endogenous Auditor Choice
6. Behn et al.
7. Reynolds & Francis
8. Craswell et al.
9. Li et al.
10. Xu et al.
11. Francis et al.
12. Francis & Yu
13. Lawrence et al.
14. Eshleman & Guo
15. Dunn & Mayhew
16. He et al.
17. Romanus et al.
18. Krishnan
19. Reichelt & Wang
20. Kwon et al.
21. Gul, Fung & Jaggi
22. Minutti-Meza
23. Propensity Score Matched Models
24. Chan et al.
25. Gul et al.
26. Ordinary least squares
27. Titman & Trueman
28. Chaney et al.
29. Liu & Subramaniam
30. Self-selection bias
31. Inverse Mills Ratio (IMR)
32. Newey & West
33. Firm fixed-effects
34. Ball et al.